

زیر آسمان فیروزهای

«کالیگولا»ی همایون غنی‌زاده مجدداً روی صحنه می‌رود



● **شرق:** پس از اجراهای موفق و پرمخاطب تئاتر «کالیگولا» در سال‌های ۸۸ و ۹۴ این نمایش‌نامه معروف از آلبر کامو به کارگردانی همایون غنی‌زاده برای سومین‌بار روی صحنه تالار وحدت خواهد رفت. «کالیگولا» اولین تئاتری بود که توانست میلیاردی شود و پس از آن در سال ۹۵ تئاتر «می‌سی‌سی‌بی نشسته می‌میرد»، رکورد این استقبال را از آن خود کرد. لازم به ذکر است کالیگولای همایون غنی‌زاده به یکی از آثار پربرفدار و آشنای تماشاگران تئاتر ایران تبدیل شده که همیشه درخواست‌های بسیاری برای اجرای مجدد آن وجود داشته است. صابر ابر، پانته‌ا پناهی‌ها و بابک حمیدیان تمرین‌های خود را برای نقش‌آفرینی آغاز کرده‌اند. قابل‌توجه است که همایون غنی‌زاده در سال گذشته با فیلم «مسخره‌باز» مورد استقبال و دقت مخاطبان و منتقدان سینمای ایران قرار گرفت. همچنین «مسخره‌باز» در حضور بین‌المللی خود توانست جایزه جشنواره جهانی ورشو ۲۰۱۹ را نیز به دست بیاورد. پنجشنبه گذشته نیز جایزه بهترین خلاقیت و استعداد درخشان در شب منتقدان و نویسندگان سینمایی به همایون غنی‌زاده برای فیلم مسخره‌باز تعلق گرفت. کالیگولا از اردیبهشت سال ۹۹ اجراهای خود را در تالار وحدت آغاز خواهد کرد.

حجازی‌فر: هدفمان جلب اعتماد تئاتری‌هاست

● **گروه هنر:** هادی حجازی‌فر، دبیر نخستین دوره جشنواره تئاتر «هامون»، در آستانه آغاز به کار این جشنواره گفت: بزرگ‌ترین هدف ما از برگزاری این جشنواره، ایجاد اعتماد میان جامعه تئاتری با مجموعه خودمان است. به گزارش ایسنا، این هنرمند تئاتر در نشست خبری جشنواره تئاتر «هامون» که ۱۳ بهمن در این سالن برگزار شد، افزود: اگر بتوانم ۲۰ گزوه نمایشی را که در این جشنواره حضور دارند، راضی برگردانم، کار مهمی انجام داده‌ام، البته منظورم از راضی‌کردن، شفافیت در عملمان است. او ادامه داد: در همین زمینه مهم‌ترین هدف من، حمایت و باور کسانی است که در جدول جشنواره ما حضور دارند. حجازی‌فر درباره هم‌زمانی برگزاری این جشنواره با جشنواره تئاتر فجر توضیح داد: جشنواره تئاتر فجر، تا دوره‌ای کارش را به بهترین شکل انجام داد و هر سال چند چهره جدید را به تئاتر ما معرفی می‌کرد و امید جوانان بود که اثرشان در فجر دیده شود و از این راه بتوانند سالتی برای اجرای عمومی‌شان بگیرند. کارگردان نمایش «رومئو و ژولیت» که سال‌ها پیش این نمایش را در کارگاه نمایش تئاتر شهر روی صحنه برده بود، یادآوری کرد: تا اواسط دهه ۸۰ هنرهای دولتی مانند تئاتر شهر برای ما جوان‌ترها شوخی دور از دسترسی بود، به‌طوری‌که خود من بابت ۲۰ شب اجرا در کارگاه نمایش تئاتر شهر، حس می‌کردم دنیا را فتح کرده‌ام. حجازی‌فر تأکید دارد که این جشنواره قرار است تولیدمحور باشد و فضایی برای معرفی استعدادهای جدید در تئاتر ایجاد کند. به گفته او، پیش‌فروش بلیت‌های این جشنواره از ۱۳ بهمن ساعت ۱۲ در سایت تیوال آغاز شده و قیمت بلیت‌ها ۲۵ هزار تومان است. نخستین جشنواره تئاتر «هامون» از سه‌شنبه ۱۵ بهمن، برگزار می‌شود و آیین پایانی آن که به‌نوعی افتتاحیه تئاتر «هامون» هم به شمار می‌رود، روز شنبه، ۲۶ بهمن، برپا خواهد شد. پایان جشنواره میزبان ۲۲ گروه نمایشی است و هر روز دو نمایش در دو نوبت ۱۸:۳۰ و ۲۱ در آن روی صحنه می‌روند.

شرق: چندی پیش، پس از ماجرای انهدام هواپیمای مسافربری، محمدصادق کوشکی در برنامه جهان‌آرا که از شبکه افق پخش می‌شود، اظهارات توهین‌آمیزی درباره رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثری مطرح کرد که با واکنش‌های زیادی در جامعه و افکار عمومی روبه‌رو شد و نهایتاً دادخواهی رخشان بنی‌اعتماد را در پی داشت. در ادامه به مرور آنچه پس از این اهانت رخ داد می‌پردازیم.

ماجرای توهین محمدصادق کوشکی به رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثری

در برنامه جهان‌آرا اراجح به سقوط هواپیمای جان‌باختگان و اتفاقات ناشی از آن به تفصیل حرف زده شد و طی آن صحبت‌ها کوشکی با کلماتی به دور از ادب و رعایت شان یک هنرمند، اظهارنظر کرد. اینکه چطور آنتن زنده سیما، در اختیار افرادی با افکاری این‌چنین قرار می‌گیرد تا در آن به هنرمندان صاحب‌نام اهانت کنند، جای سؤال دارد.

واکنش‌ها به توهین کوشکی به رخشان بنی‌اعتماد و باران کوثری

اما اظهارات کوشکی اعتراض اصناف و نهادهای مدنی را در پی داشت. در بیانیه انجمن مستندسازان سینمای ایران در اعتراض به توهین محمدصادق کوشکی به رخشان بنی‌اعتماد آمده:

جناب آقای علی‌عسگری

رئیس سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
اگر برنامه‌های تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی را دنبال می‌کنید حتما از توهین آشکار و بی‌شرمانه به شان یک بانوی ایرانی و خانواده ایشان و تهدید علنی جمع بزرگی از مردم، در یکی از برنامه‌های زنده شبکه افق توسط محمدصادق کوشکی، مهمان برنامه مطلع هستید.

بخش‌هایی از این برنامه دست‌به‌دست در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخد و عرق شرم بر پیشانی می‌رسد سیاهپوش کشور می‌نشانند. آیا نمی‌شود پایان و نهایی‌تی برای این بی‌احترامی‌ها به شان و حقوق مردم در صداوسیما متصور بود؟ بانو رخشان بنی‌اعتماد از مفاز فرهنگ و هنر این سرزمین و از پیش‌کسوتان بنام انجمن مستندسازان سینمای ایران است.

ما هرچند به رویه جاری و ساری در برنامه‌سازی‌های جانب‌دارانه در شبکه مذکور عادت کرده و به آن واقعی نمی‌نهمیم، اما این اهانت آشکار به شان یکی از اعضای خود را نرمی‌تابیم و درخواست برخورد جدی با متخلفین و عذرخواهی رسمی جنابعالی از جامعه هنری و مردم ایران را داریم. سپس خانه سینما نسبت به این اهانت واکنش نشان داد.

خانه سینما به درخواست رؤسای صنوف و جمع کثیری از اعضای خود، در این بیانیه اعتراض خود را به صداوسیما اعلام کرد.

متن بیانیه خانه سینما چنین بود: سال‌هاست رسانه انحصاری ملی که مدعی ارتقای فرهنگ و هنر و دانش اجتماعی و حقوق شهروندی است، نه‌تنها از انجام تکالیف ملی و اصلی‌اش جا مانده، بلکه هرازچندگاهی با خروج خود از مرزهای اخلاق و انسانیت به بهانه دفاع از ارزش‌ها تا‌دوام تخریش را در شبکه‌های متعدد به رخ می‌کشد و در مسیر این مأموریت، چه چهره‌هایی شاخص‌تر از هنرمندان جامعه برای آنکه هدف تخریب قرار گیرند؟

اهانت اخیر و بی‌شرمانه صداوسیما به بانویی محترم از جمع کارگردانان سینمای ملی ایران و فرزند هنرمندش، پیش و بیش از آنکه خدشه‌ای به ساخت اعتبار و ارزش این سرمایه فاخر فرهنگی و هنری کشور وارد کند، برای ما سینماگران و همه کسانی که سینمای اجتماعی او را در تمام این سال‌ها دنبال کرده‌اند، گواه گویایی‌ست بر تراوم

«شرق» در گفت‌وگو با وکیل بنی‌اعتماد، شکایت او از رسانه ملی را بررسی می‌کند

ای کاش این پرونده درس عبرت باشد



عکس: ژنوفه بسینی

شیددا محکوم می‌کند و در برابر تخریب سینماگران سکوت نخواهد کرد.

کانون کارگردانان سینمای ایران با احترام به تمامی برنامه‌سازان سیما، رسماً از تمامی کارگردانان سینما درخواست می‌کند تا عذرخواهی رسمی سازمان صداوسیما در هیچ برنامه تلویزیونی به‌عنوان میهمان و کارشناس شرکت نکنند».

واکنش ناصر فکوهی، جامعه‌شناس

در همین حال ناصر فکوهی، استاد دانشگاه تهران نیز در واکنش به سخنان توهین‌آمیز محمدصادق کوشکی خطاب به رخشان بنی‌اعتماد نوشت: اظهارات آقای که خطاب به خانم رخشان بنی‌اعتماد، بانوی محترم و فیلم‌ساز ایرانی بیان شده و سرشار از اهانت است، اگر چنین اظهارنظری را حتی فردی عامی و از اقشاری که قربانی جامعه شده و درون لمپنیسم و آواشی‌گری هم سقوط کرده در «جمله‌بیدان» سابق ایراد می‌کرد، باعث تأسف بود؛ و وقتی خوانندگان، سوابق گوینده و جایی را که اظهارنظر انجام شده بررسی می‌کنند، به حال خود و مملکت تأسف می‌خورند.

چگونه می‌توان پذیرفت که تریبون‌های رسمی کشور در اختیار چنین افرادی قرار بگیرد که این اظهارات سخیف را درباره زنان و دختران این کشور بیان کنند. آیا این‌ها دفاع از ارزش است یا توهین و زیرپا گذاشتن هر چیزی که ما در تاریخ چند هزار ساله خودمان به عنوان شرف، ارزش و احترام،

ادب و اخلاق اسلامی و ایرانی و سنتی داشته‌ایم؟ نیاز به نظر یک کارشناس فرهنگی نیست؛ از هر یک از روستاییان یا افراد ساده و کوچه و خیابان که می‌خواهید بپرسید ببینید دراین‌باره چه می‌گویند؟ ازاین‌رو هرچند خانم بنی‌اعتماد با سابقه درخشان خود به دفاع نیاز ندارد، باید پشتیبانی کامل خود و تأسف عمیق خویش را از ضرباتی که به این ترتیب به ارزش‌های انقلاب و اسلام و فرهنگ ایرانی و بشری وارد می‌شود، اظهار کنم. این سخن‌ها را نباید به حساب ارزش‌های جامعه ما گذاشت، بلکه باید آنها را بدترین ضربات برای تخریب اخلاق در این کشور دانست.

محمدصادق کوشکی کیست؟

با گوگل کردن نام او، همه اطلاعات، مربوط به همین ماجرای توهین‌کنندایی است؛ حکایت آن‌کسی که با خدشه‌دار کردن هویت بزرگی، می‌خواهد خود را بزرگ کند.

محمدصادق کوشکی متولد شهر آباده فارس، استاد دانشگاه است. او فارغ‌التحصیل دکترای اندیشه سیاسی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است که در قاست مدرس و هرازگاهی کارشناس در تلویزیون نیز حضور دارد. کوشکی در سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه امام صادق (ع) شد. در رشته علوم سیاسی و معارف اسلامی تا مقطع فوق‌لیسانس تحصیل کرد و به موازات آن در کلاس‌های دانشکده صداوسیما هم حضور داشت. او سپس دکترای خود را از پژوهشگاه علوم انسانی دریافت کرد.

کوشکی در سال ۱۳۷۷ مدیر دفتر هنر و ادبیات

هنر

مرکز اسناد انقلاب اسلامی شد و تا سال ۱۳۸۴ در این مسئولیت حضور داشته است. کوشکی تألیف را از سال ۱۳۷۹ با کتاب «برگی از باغ» شروع کرد، سپس با کتاب تأملی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ادامه داد و اکنون چند اثر علمی به نام او ثبت شده است.

اظهارنظرهای کارشناسی ایشان از سال ۱۳۸۹ در واکنش به سخنان اسفندیار رحیم‌مشایی در باب مکتب ایرانی شروع شد و با نقد دولت حسن روحانی ادامه یافت. او در سال ۱۳۹۳ در همایش دلوایسیم گفت: ما شهید ندادیم تا آمریکا کدخدای ما باشد، هزاران کودک ما ینیم نشدند تا کسی توان نظامی کشور را زیر سؤال ببرد.

موضع‌گیری وکیل رخشان بنی‌اعتماد

گفته می‌شود پس از اظهارات کوشکی که عبارتی دوپهلو و توهین‌آمیز نسبت به خانم رخشان بنی‌اعتماد به کار برده بود، این کارگردان سینما از شخص مورد نظر شکایت کرده است. در مصاحبه کوتاهی با امیر رئیسیان، وکیل خانم بنی‌اعتماد، از سرنوشت این شکایت سؤال کردیم که در ادامه می‌خوانید:

از رئیسیان پرسیدیم: «آیا شکایت شما به وکالت از خانم رخشان بنی‌اعتماد به نتیجه‌ای رسیده است؟» که او به «شرق» گفت: «این ماجرا زمانی که اتفاق افتاد به صورت غافلگیرکننده‌ای واکنش‌های مردمی در حمایت از خانم بنی‌اعتماد دیده شد. افکار عمومی و نظرات اقشار مختلف جامعه اعم از هنرمندان یا شخصیت‌های مرجع و محترم اجتماعی نشان داد که باوجود نیت اولیه فرد مورد نظر، اساساً به‌کارگرفتن این ادبیات موجب تحقیر مخاطب توهین، یعنی خانم بنی‌اعتماد، نشده است بلکه موجب بروز انتقادها و تذکرات بی‌شمار به گوینده شده و این یعنی داوری برحق مردم بهترین قضاوت را بدون تشریفات و تکلفات دادرسی انجام داد، مگر هدف قانون و حقوق چه چیزی بیش از تحقق عدالت و نشان‌دادن حق است؟ ازقضا مردم به‌متابه یک هیئت منصفه که وجدان اجتماعی را کشف می‌کنند نظر خود را اعلام کردند. امروز تلقی عموم مردم این است که اتفاقاً این‌گونه اظهارات نشان‌دهنده سطح نازل تسلط هنجانی و کلامی در یک شخصیت سیاسی است که هم مدعی شناخت و دانش سیاسی است و هم مدعی توجه به منافع ملی. چگونه می‌شود نگران منافع ملی بود و تیشه به ریشه وحدت ملی زد؟ این کار‌ها هم به خود این افراد لطمه وارد می‌کند و هم جامعه‌ای را که ملت‌بپ شده است، ناآرام‌تر می‌کند.

به قول مولانا
بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد/ بلکه آتش در همه آفاق زد

اینها را مردم می‌بینند، مردمی که داور بی‌طرف و حقیقی هستند. در چنین وضعیتی فرهنگ و ادبیات و هنر ما به یک شخصیت فرهنگی مثل خانم بنی‌اعتماد چه توصیه‌ای داشت؟ جواب این بود که «بیا تا داوری‌ها را به پیش داور اندازیم».

این شد که وقتی دیدیم حکم در دست مردم است از حکم کاغذی بی‌نیاز شدیم.

در نتیجه در بحث حق شکایت شخصی خانم بنی‌اعتماد و ادعای ایشان به عنوان شاکی خصوصی باید عرض کنم پس از این ماجرا ما شکایت خود را تنظیم کردیم و آماده اقدام قضائی بودیم و ثبت مقدماتی هم انجام گرفت، ولی با توجه به مطالبی که عرض کردم ضرورت این کار از بین رفت.

نهایتاً در گفت‌وگویی که با خانم بنی‌اعتماد صورت گرفت، ایشان از حق شخصی خود گذشت و بنا شد شکایت پیگیری نشود. البته دلیل دیگر نیز این بود که منافع ملی و تسلی اجتماعی در این شرایط ملت‌بپ، موضوعات مهم‌تری بودند، بنابراین صلاح ندیدند که این‌گونه رفتارها بیشتر از مصالح اجتماعی مورد توجه قرار گیرد».

اما این سؤال پیش می‌آید که اگر رضایت خانم بنی‌اعتماد جلب نمی‌شد، نتیجه این شکایت چه می‌توانست باشد؟ رئیسیان در پاسخ به این پرسش به «شرق» گفت: «اول اینکه رضایت خانم بنی‌اعتماد با این عذرخواهی جلب نشند، بلکه اساساً گذشت کردند. تفاوت این دو در این است که رضایت از موضع سازش و توافق است، اما گذشت یک امر اخلاقی است که صرفاً مبتنی‌بر بزرگواری گذشت‌کننده است و هیچ مابازایی هم ندارد. اما درباره این‌گونه شکایت‌ها باید عرض کنم در مواردی که تابه‌حال در آنها حضور داشته‌ام، حتی یک‌بار هم ندیدم متهم در مرجع قضائی اظهارات خود را تکرار کند.

اغلب مدعی شده‌اند که منظورشان شاکی پرونده نبوده یا گفته‌اند منظورشان با برداشت عموم تفاوت دارد و جملاتشان را جور دیگری تفسیر کرده‌اند یا در مواردی که هیچ دفاعی نتوانستند بکنند مدعی شده‌اند که خبرنگار در جملاتشان تغییر داده است که ازقضا دیواری کوتاه‌تر از دیوار همان رسانه‌ای که ابرازر قرار داده‌اند پیدا نکردند و این امر برای رسانه‌ها یک نشانه است که انعکاس‌دهنده مطالب غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرواقعی نباشند و ای‌کاش درس عبرت باشد که متأسفانه نیست. اما در هر حال تقریباً تمام این افراد که در مقابل رسانه‌ها اسیر فضا می‌شوند و کار فکرنشده‌ای می‌کنند، در مرحله دادرسی تلاش می‌کنند ثابت کنند که چنین رفتاری را مرتکب نشده‌اند».

گالری گردی

درباره آثار داوود زندیان در گالری ایرانشهر در ستایش جزئیات



حسین گنجی
روزنامه‌نگار

● هنر بر ستون‌هایی استوار است که همواره با برقراری آنها می‌تواند خود را تعریف کند و در برابر مخاطب به نمایش بگذارد و مخاطب به عنوان هنر آن را بشناسد و همراهش شود. یکی از استوارترین آنها، فکر به جزئیات است. چه کمینه‌گرایان که نهایت خلاصه‌نگاری را رعایت می‌کنند و چه هنرمندان کلاسیک که تا نهایت جزئیات پیش می‌روند، همواره دغدغه پرداختن یا نپرداختن به جزئیات همراهشان است. این دخالت‌نندان جزئیات یا به‌کاربستن تمام‌وکمال آنها، شکل‌دهنده آثار بسیاری از هنرمندان مدرن ما بوده است و در این مسیر چه آنان که از آن پرهمیز کرده و چه آنان که به آن پرداخته‌اند، هر دو به شکلی جزئیات را در کارهایشان رعایت کرده و خواسته یا ناخواسته به آن تن داده‌اند.

هنر غرق در جزئیات است و هنرمندان از مینی‌مال‌ترین تا آثار شیب‌تیزین‌شان، چه دانسته چه نادانسته و خودانگیزه، کارهای خود را بر همین جزئیات سوار کرده‌اند. آثار هنرمندان مینی‌مالیست از تئو وان دوسبرگ تا کازیمیر مالویچ که از مشهورترین کمینه‌گرایان هنر مدرن هستند که کل‌نگری باید کارهایشان را احاطه کند، این نپرداختن به جزئیات است که به کارهایشان معنا بخشد و این نپرداختن به جزئیات خود جزئیات بسیاری را ایجاد کرد که هنرمند و مخاطب هر دو نتوانسته و نمی‌توانند خود را از آن جدا بدانند و اثر را جدا از ظرایف بیشماری که در آنها هست، تجزیه و تحلیل کنند.

این گزاره و این ستون بی‌فصل هنر، به شیوه‌ای دیگر و در آثار داوود زندیان در دو نمایشگاه اخیرش در گالری ایرانشهر و در ابعاد بزرگ خود را نمایان کرده است؛ به‌ویژه که او این پرداختن به جزئیات را به دلیل علاقه‌ای که گویا به متن و از آن بیشتر، به تاریخ و زیست اجتماعی انسان دارد، به حد بالای خود به نمایش گذاشته است. داوود زندیان در بیرون‌کشیدن جزئیات از پس و پشت زندگی ایرانی استاد و در ترسیم آنها بی‌نظیر است. او تناقض‌های زندگی ایرانی را آن‌طور در حاشیه‌های قاب‌هایش می‌کند که انسان میان تشخیص متن از حاشیه، اصل از فرع و سوژه از ناسوژه، درمی‌ماند. زندیان در یک قاب از گذشته تا امروز محیط پیرامونی و جهان در هم خود را منظم کنار یکدیگر می‌چیند و خواسته یا ناخواسته در حالی که جهان خودش و جهان ما را به تصویر می‌کشد، در این مواجهه بی‌نسبت و نظر نیست و این جهان در هم پیچیده و



ناموزون را نقد می‌کند و در این چالش خودش را نیز بی‌نصب نمی‌گذارد. دوربین در همه آثار تازه زندیان ناظر سلاکت و زنده‌ای است که بی‌وقفه ترسیم شده و در حال نظاره است. او نماد تاریخ و نماد شاهد عینی است. در قاب‌های بزرگ او نشانه‌وار، فرهنگ ایرانی را با همه ابعادش می‌توان ریخت‌شاسانه و جامعه‌شناسانه مشاهده و منظر فکری او را چیزی شبیه همان دوربین کشیده‌شده دانست. زندیان نقاش بی‌بتهایی نقاش نیست، او در عمق جان جامعه‌اش نفوذ کرده است و از پست‌وهای فرهنگی ما قاب‌های بزرگش را بیرون می‌کشد.

زندیان در قاب‌های بزرگ خود، بر جزئیاتی دست گذاشته است که زندگی هر مخاطبی به آن گره خورده یا از آن متأثر و در کنار و گوشه برخی گزاره‌های کوتاه مدتی به شکل طنز قرار داده است تا ما را به آنچه او می‌بیند، راهنمایی کند؛ مثل نقشه گنجی که نشانه‌های بسیاریار صاحب نقشه را به گنج‌خانه راهبری می‌کند.

آثار او بر این مبنا را باید آثاری در ستایش جزئیات و در اهمیت جزئیات و در نگاه به جزئیات دانست؛ مواردی که ما در زندگی روزمره خود با آنها مواجه ولی از آنها غافل هستیم.

در نمایشگاه اخیر او با فراتر گذاشته و کتاب و کتابخانه تم اصلی کار او قرار گرفته که در این سوژه نیز کتاب خود مامن و ملجا جزئیات است، زیرا کلمه

آتیا خانه دارد. او حرف‌هایش را سربسته و در کمرنگ و پررنگ‌کردن، در واضح و مخفی‌کردن، در نوشتن و نوشتن، در آوردن برخی از اشیا به میانه معرکه و نیاوردن برخی دیگر، بیان می‌کند. همان‌طور که گفته شد، مثل نقشه گنجی که باید نشانه‌ها را از درون آن که بیرون کشید، کدگذاری کرد و معنا را از درون آن که‌ها که در میان رنگ‌ها، شکل‌ها و تصویرها مخفی شده است، پیدا کرد و خواند و فهمید؛ نشانه‌هایی که در نمایشگاه اخیر او کوکا‌کولا، لامپ، قیچی، دوربین و نامه و روزنامه بخش بزرگی از آنها را نمایندگی می‌کنند و در اکثر کارهای او در گنجی از قاب جایگاهی ویژه برای کشیدن مخاطب به سمت معنا و مقصود مدنظر را دارند.